


The Role of International Structures in the Continuation of Contemporary Colonialism: A Civilizational Analysis of Western Colonialism within the Global System of Domination, Based on the Intellectual Framework of Ayatollah Khamenei

Majid Ghanbari

Department of Educational Affairs and Counseling, Deputy of Cultural and Physical Education, Education Office of Chaboksar District, Chaboksar, Iran. (Corresponding author)

Email: majid.ghanbari@modares.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Hamid Fallah-Allahbakhsh Mahalleh

Department of Educational Affairs and Counseling, Deputy of Cultural and Physical Education, Education Office of Rezvanshahr District, Rezvanshahr, Iran.

Email: hamid.fallah1363@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Mohammad Rezghjoo-Kasmaei

Department of Educational Affairs and Counseling, Deputy of Cultural and Physical Education, Education Office of Rezvanshahr District, Rezvanshahr, Iran.

Email: mohammadrezghjoukasmaei@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Seyedeh Masumeh Shafiei-Sardabrood

Department of Educational Affairs and Counseling, Deputy of Cultural and Physical Education, Education Office of Chaboksar District, Chaboksar, Iran.

Email: mansafiee13777@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

In the contemporary era, colonialism no longer signifies solely military occupation or direct political control. Rather, it persists through international political, economic, and cultural structures in subtle and systemic forms. This study adopts a mixed (qualitative–quantitative) approach to elucidate the mechanisms through which such structures sustain contemporary colonialism and to propose counter-strategies grounded in Islamic intellectual thought. The research design follows an exploratory sequential method: the qualitative component, based on thematic analysis of Ayatollah Khamenei’s speeches and texts on colonialism, constitutes the core analytical framework, while the quantitative component employs secondary data from international organizations to complement and substantiate qualitative findings. Qualitative findings indicate that contemporary colonialism is primarily a civilizational–cultural phenomenon operating through mechanisms of identity deprivation, cultural simulation, and induced intellectual dependency. Institutions such as the International Monetary Fund and the World Bank are portrayed as instruments of this “borderless colonialism.” Quantitative data corroborate a significant relationship between the influence of such institutions and the level of economic dependency among developing countries. Ultimately, drawing upon a framework of “civilizational resistance,” the study proposes “decolonization at three levels—mind, culture, land structure” as the central strategic response.

Keywords: Realized colonialism; International structures; Identity deprivation; Cultural simulation; Civilizational resistance.

بررسی نقش ساختارهای بین‌المللی در تداوم استعمار معاصر: تحلیل تمدن‌شناختی از ماهیت استعمار غربی در نظام سلطه جهانی، با تکیه بر منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

مجید قنبری

گروه امور تربیتی و مشاوره، معاونت امور تربیتی و تربیت بدنی، آموزش و پرورش منطقه چابکسر، چابکسر، ایران (نویسنده مسئول).

Email: majid.ghanbari@modares.ac.ir

0000-0000-0000-0000

حمید فلاح الله بخش محله

گروه امور تربیتی و مشاوره، معاونت امور تربیتی و تربیت بدنی، آموزش و پرورش منطقه رضوانشهر، رضوانشهر، ایران.

Email: hamid.fallah1363@gmail.com

0000-0000-0000-0000

محمد رزقجو کسمائی

گروه امور تربیتی و مشاوره، معاونت امور تربیتی و تربیت بدنی، آموزش و پرورش منطقه رضوانشهر، رضوانشهر، ایران.

Email: mohammadrezghjoukasmaei@gmail.com

0000-0000-0000-0000

سیده معصومه شفیعی سرداب‌رود

گروه امور تربیتی و مشاوره، معاونت امور تربیتی و تربیت بدنی، آموزش و پرورش منطقه چابکسر، چابکسر، ایران.

Email: mansafiee137777@gmail.com

0000-0000-0000-0000

چکیده

استعمار در عصر معاصر دیگر تنها به معنای اشغال نظامی یا تسلط مستقیم نیست، بلکه از طریق ساختارهای بین‌المللی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شکلی گسترده و پنهان، خود را حفظ کرده است. این مقاله با رویکردی تلفیقی (کیفی-کمی) و با هدف تبیین سازوکار این ساختارها در تداوم استعمار معاصر و ارائه راهکارهای مقابله بر اساس منظومه فکری اسلامی، انجام شده است. روش تحقیق به صورت «توالی اکتشافی» طراحی شد که در آن، بخش کیفی مبتنی بر «تحلیل مضمون» بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره استعمار، محور اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهد. بخش کمی با استفاده از داده‌های ثانویه سازمان‌های بین‌المللی، به عنوان مکملی برای عینیت‌بخشی و تعمیم‌پذیری یافته‌های کیفی به کار گرفته شد. یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که استعمار معاصر، پدیده‌ای عمدتاً «تمدنی-فرهنگی» است که از طریق مکانیسم‌های «سلب هویت»، «شبیه‌سازی فرهنگی» و «القای وابستگی فکری» عمل می‌کند. نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، ابزارهای تحقق این «استعارت بدون مرز» هستند. داده‌های کمی نیز رابطه معنادار بین نفوذ این نهادها و سطح وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تأیید می‌کنند. در نهایت، این پژوهش بر اساس چارچوب نظری «مقاومت تمدنی»، «استعمارزدایی در سه سطح ذهن، فرهنگ و ساختار» را به عنوان راهبرد کلیدی پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: استعمار تحقق‌یافته، ساختارهای بین‌المللی، سلب هویت، شبیه‌سازی فرهنگی، مقاومت تمدنی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۷، پاییز ۱۴۰۴، صص ۱۱۹-۱۵۲



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi:10.22034/rir.2025.529176.1123

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

در طول تاریخ، استعمار نه تنها به معنای اشغال نظامی و سرکوب مستقیم نبوده است، بلکه به صورت یک ساختار تمدنی، از طریق انسان‌گرایی غرب، سرمایه‌داری، لیبرالیسم و سلطه فرهنگی، عمومیت یافته است (Santos, 2022). در دوره معاصر، این الگو با بهره‌گیری از ساختارهای بین‌المللی اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی، به صورتی غیرمستقیم اما مؤثر، وجود خود را حفظ کرده است (Quijano, 2021)؛ بنابراین، درک صحیح از ماهیت استعمار معاصر نیازمند یک دیدگاه تمدن‌شناختی است که بتواند ابعاد ساختاری، فرهنگی و هویتی این پدیده را نیز شامل شود.

یکی از منظرهای تحلیلی مؤثر در مقابل استعمار معاصر، دیدگاه تمدنی اسلامی است که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌خوبی مورد تأکید قرار گرفته است. در این منظومه فکری، استعمار نه تنها به عنوان یک عملکرد نظامی یا اقتصادی، بلکه به عنوان یک ساختار ذهنی، فرهنگی و تمدنی توصیف می‌شود که از طریق انگاره‌های استثنانگرای، تضعیف هویت ملی و فرهنگی و القای وابستگی فکری، به تداوم قدرت غرب در محور قدرت جهانی ادامه می‌دهد.

با این حال، اکثر مطالعات موجود در حوزه استعمارشناسی، یا به شکل کلی و بدون تمرکز بر ساختارهای داخلی قدرت و یا بدون توجه به بعد تمدنی و فرهنگی، به این موضوع پرداخته‌اند (Mignolo & Walsh, 2021). همچنین، مطالعات اسلامی نیز گاهی به دلیل عدم تلفیق مناسب با مبانی نظری معاصر، نتوانسته‌اند با دقت لازم درباره نحوه عملکرد استعمار در قالب ساختارهای بین‌المللی معاصر واکاوی کنند. این فاصله نظری، اهمیت و ضرورت یک تحلیل ترکیبی از استعمار معاصر را با استفاده از چارچوب تمدنی اسلامی و داده‌های آماری مربوط به نفوذ ساختاری غرب در جهان معاصر برجسته می‌کند.

این مقاله با رویکردی ترکیبی (کیفی و کمی)، به بررسی نقش ساختارهای بین‌المللی در تداوم استعمار معاصر می‌پردازد. سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

- چگونه ساختارهای بین‌المللی امروز به عنوان ابزارهای استعمار تحقق یافته عمل می‌کنند؟

- چه رابطه‌ای بین وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نفوذ ساختارهای بین‌المللی وجود دارد؟
- چگونه منظومه فکری اسلامی می‌تواند راهکارهای مقاومتی در برابر این نوع استعمار را فراهم کند؟

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل ساختاری از استعمار معاصر در قالب چارچوب تمدنی اسلامی است که بتواند ضمن شناسایی سازوکارهای استعمار در سطوح مختلف، راهکارهایی برای استعمارزدایی در سطح ذهن، فرهنگ و ساختار ارائه دهد. این مسئله، اهمیت و ضرورت این پژوهش را در زمینه‌های نظری، عملی و تمدنی برجسته می‌سازد.

تعریف عملیاتی مفاهیم کلیدی

برای جلوگیری از هرگونه ابهام و ایجاد زمینه‌ای مشترک برای تحلیل، مفاهیم کلیدی این پژوهش به شرح زیر تعریف عملیاتی می‌شوند:

۱- استعمار تحقق‌یافته (Coloniality): به مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که پس از پایان استعمار رسمی، به تداوم نابرابری‌های جهانی و سلطه غرب بر جهان سوم ادامه می‌دهند. در این پژوهش، این مفهوم به صورت عملیاتی شامل "نفوذ سازمان‌های بین‌المللی در سیاست‌های داخلی کشورها"، "تثبیت الگوهای توسعه وابسته" و "تضعیف هویت‌های محلی و تمدنی" تعریف می‌شود.

۲- تمدن اسلامی: نظامی جامع از ارزش‌ها، اخلاق، قوانین و الگوهای زندگی است که بر پایه تعالیم قرآن و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) استوار است. در این پژوهش، تمدن اسلامی به عنوان "چارچوب نظری برای تحلیل استعمار" و "الگوی مقابله و استعمارزدایی" مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- سلب هویت: فرآیندی است که طی آن، یک جامعه هویت فرهنگی، ملی و دینی خود را از دست می‌دهد و به الگوهای فکری و فرهنگی خارجی وابسته می‌شود. در این پژوهش، سلب هویت از طریق شاخص‌هایی مانند "میزان مصرف فرهنگ غربی"، "نسبت جوانان به الگوهای زندگی غربی" و "میزان شبیه‌سازی در سیاست‌های داخلی" سنجیده می‌شود.

۴- مقاومت تمدنی: مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که با هدف حفظ و بازسازی هویت تمدنی و مقابله با استعمار فرهنگی و ساختاری انجام می‌شود. در این پژوهش، مقاومت تمدنی شامل "تقویت آموزش‌های مبتنی بر هویت اسلامی"، "توسعه الگوهای بومی توسعه" و "مقاومت در برابر تحمیل شرایط سازمان‌های بین‌المللی" است.

۵- وابستگی اقتصادی: حالتی است که در آن، کشوری برای تأمین نیازهای اساسی خود (مالی، فناوری، تجاری) به‌طور سیستماتیک به کشورهای دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی وابسته است. در این پژوهش، این مفهوم با استفاده از شاخص‌های "نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی"، "سهم واردات از کل نیازهای داخلی" و "میزان وابستگی به وام‌های صندوق بین‌المللی پول" اندازه‌گیری می‌شود.

۶- نفوذ ساختاری: توانایی یک بازیگر (در اینجا سازمان‌های بین‌المللی) برای شکل‌دهی به قوانین، نهادها و رفتارهای بازیگران دیگر (کشورهای عضو) بدون استفاده از زور مستقیم. در این پژوهش، نفوذ ساختاری با "میزان انطباق قوانین داخلی کشورها با دستورالعمل‌های IMF و WB"، "تعداد شرایط تحمیلی در قراردادهای وام" و "میزان مشارکت کشورهای غربی در تصمیم‌گیری‌های کلیدی این سازمان‌ها" سنجیده می‌شود.

۷- شبیه‌سازی فرهنگی: تقلید ناخودآگاه یا تحمیلی از الگوهای زندگی، مصرف و ارزش‌های فرهنگی غرب که منجر به انحطاط فرهنگی و وابستگی فکری می‌گردد.

بیان مسئله

در طول تاریخ، استعمار نه‌تنها به معنای اشغال نظامی و تسلط مستقیم بر سرزمین‌های دیگر نبوده، بلکه به عنوان یک ساختار تمدنی و فرهنگی نیز عمل کرده است که از طریق انگاره‌های استثنائگرایی، القای وابستگی فکری، تضعیف هویت ملی و فرهنگی و ساختارهای بین‌المللی، به تداوم خود ادامه داده است (Mignolo & Walsh, 2021). در دوره معاصر، با کاهش نقش مستعمرات نظامی و افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی، استعمار به شکلی غیرمستقیم و زیربنایی، ولی مؤثر، جلوه‌گر شده است

که برخی از نویسندگان آن را "استعمار تحقق‌یافته (Coloniality)" می‌نامند (Quijano, 2020).

این نوع استعمار، علاوه بر اینکه از طریق ساختارهای اقتصادی و سیاسی عمل می‌کند، به صورت عمیق و پنهان در سطح ذهن، فرهنگ و هویت نیز نفوذ می‌کند. این پدیده، باعث شده است که حتی کشورهایی که از نظر سیاسی "آزاد" شناخته می‌شوند، در عمل تحت تأثیر الگوهای فکری، فرهنگی و توسعه‌ای غرب قرار داشته باشند. این وضعیت، اهمیت تحلیل استعمار در قالب یک چارچوب تمدنی و ساختاری را برجسته می‌کند.

مطالعات موجود در باب این موضوع را می‌توان در سه دسته کلی جای داد: دسته اول، مطالعات غربی (مانند کویجانو، ۲۰۲۰؛ هاروی، ۲۰۲۱) هستند که اگرچه به ابعاد ساختاری و فرهنگی استعمار پرداخته‌اند، اما از منظری غربی و بدون توجه به گفتمان مقاومت تمدنی اسلامی به مسئله نگاه کرده‌اند. دسته دوم، مطالعات داخلی (مانند ایمانی، ۱۳۹۷؛ رضایی، ۱۴۰۰) هستند که اگرچه بر اساس منظومه فکری اسلامی به تحلیل استعمار پرداخته‌اند، اما عموماً فاقد تحلیل داده‌های عینی و ساختاری از عملکرد نهادهای بین‌المللی هستند. دسته سوم، مطالعاتی هستند که صرفاً به بعد اقتصادی یا سیاسی استعمار پرداخته و از تحلیل جامع تمدنی غافل مانده‌اند؛ بنابراین، شکاف پژوهشی اصلی، «عدم وجود مطالعه‌ای است که با تلفیق چارچوب تمدنی اسلامی و تحلیل ساختاری نهادهای بین‌المللی، به تبیین همه‌جانبه ماهیت استعمار معاصر و ارائه راهکارهای بومی مقابله با آن بپردازد». این پژوهش قصد دارد همین شکاف را پر کند.

اما بیشتر مطالعات موجود در حوزه استعمارشناسی، یا به شکل کلی و بدون تمرکز بر ساختارهای داخلی قدرت و یا بدون توجه به بعد تمدنی و فرهنگی، به این موضوع پرداخته‌اند (Santos, 2022). این محدودیت، منجر به تشخیص نادرست از نحوه عملکرد استعمار معاصر و عدم ارائه راهکارهای مؤثر در مقابله با آن شده است. همچنین، مطالعات اسلامی نیز گاهی بدون تلفیق کافی با مبانی نظری معاصر، قادر به واکاوی عمیق از ماهیت استعمار غربی در سطح ساختاری و فرهنگی نبوده‌اند.

در این بین، بیشتر مطالعات موجود در حوزه استعمارشناسی، یا به شکل کلی و بدون تمرکز بر ساختارهای داخلی قدرت و یا بدون توجه به بعد تمدنی و فرهنگی، به این موضوع پرداخته‌اند (Santos, 2022). این محدودیت، منجر به تشخیص نادرست از نحوه عملکرد استعمار معاصر و عدم ارائه راهکارهای مؤثر در مقابله با آن شده است. همچنین، مطالعات اسلامی نیز گاهی بدون تلفیق کافی با مبانی نظری معاصر، قادر به واکاوی عمیق از ماهیت استعمار غربی در سطح ساختاری و فرهنگی نبوده‌اند. این شکاف نظری، ضرورت یک تحلیل ترکیبی از استعمار معاصر را برجسته می‌کند؛ تحلیلی که:

ابعاد ساختاری و تمدنی استعمار را با هم در نظر بگیرد.

داده‌های کمی درباره نفوذ ساختارهای بین‌المللی را تحلیل کند.

و در عین حال، از چارچوب تمدنی اسلامی به عنوان منبعی برای استعمارزدایی

در سطح ذهن، فرهنگ و ساختار، الهام بگیرد.

بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است: چگونه می‌توان از طریق تلفیق

چارچوب تمدنی اسلامی و تحلیل ساختاری ساختارهای بین‌المللی، ماهیت استعمار

معاصر را شناسایی و راهکارهای استعمارزدایی را پیشنهاد کرد؟

این مسئله، اهمیت و ضرورت این پژوهش را در زمینه‌های نظری، عملی و تمدنی

برجسته می‌کند. اولاً، از دیدگاه نظری، با تلفیق رویکردهای استعمارشناسی و

تمدن‌شناسی، دانش موجود را گسترش می‌دهد. ثانیاً، از دیدگاه عملی، این مطالعه

می‌تواند به کشورهای در حال توسعه و وابسته کمک کند تا از الگوهای وابسته خارج

شوند؛ و ثالثاً، از منظر تمدنی، این تحقیق ضمن استفاده از منظومه فکری اسلامی،

راهکارهایی برای مقابله با سلب هویت فرهنگی و وابستگی ذهنی فراهم می‌کند.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

برای پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش، نیاز به یک چارچوب نظری جامع است که

بتواند هم ماهیت استعمار معاصر را تبیین کند و هم راهکار مقابله با آن را ارائه دهد.

این چارچوب از تلفیق دو رویکرد کلیدی شکل می‌گیرد: ۱- نظریه "استعمار

تحقق‌یافته" از مکتب استعمارشناسی لاتین آمریکایی و ۲- چارچوب "تمدن‌شناسی

اسلامی" استخراج شده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای.

۱- چارچوب نظری استعمار تحقق‌یافته (Coloniality of Power)

نظریه استعمار تحقق‌یافته که توسط اندولفو کویخانو و والتر میگنولو توسعه یافته است، استعمار را یک پدیده تاریخی موقت نمی‌داند، بلکه آن را یک ساختار دائمی و بنیادین در نظام جهانی مدرن می‌داند (Quijano, 2020; Mignolo & Walsh, 2021). بر اساس این نظریه، حتی پس از استقلال سیاسی کشورهای مستعمره، ساختارهای قدرت، دانش و فرهنگی که در دوران استعمار شکل گرفته‌اند، به تداوم خود ادامه می‌دهند. این ساختارها به سه شکل اصلی عمل می‌کنند:

- استعمار تحقق‌یافته قدرت (Coloniality of Power): تداوم نابرابری‌های ساختاری اقتصادی و سیاسی که در آن کشورهای غربی همچنان در رأس هرم قدرت جهانی قرار دارند و کشورهای جهان سوم را در موقعیت وابسته و تابع نگه می‌دارند. سازمان‌هایی مانند WB، IMF و WTO نمونه‌های بارز این ساختار هستند که از طریق وام‌های مشروط و قوانین تجاری، سیاست‌های داخلی کشورهای در حال توسعه را تحت کنترل خود درمی‌آورند (Harvey, 2021).
- استعمار تحقق‌یافته دانش (Coloniality of Knowledge): تداوم مرکزیت دانش و معرفت غربی و حاشیه‌نشینی دانش‌های بومی و غیرغربی. در این ساختار، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، الگوهای فکری غربی را به عنوان تنها الگوی معتبر ترویج می‌کنند و دانش‌های محلی را نادیده می‌گیرند یا زیر سؤال می‌برند (Santos, 2022).
- استعمار تحقق‌یافته فرهنگ (Coloniality of Being): تداوم تحقیر و تضعیف هویت‌های فرهنگی و تمدنی غیرغربی. این ساختار از طریق رسانه‌ها، سینما، مد و سبک زندگی، ارزش‌های غربی را به عنوان الگوی برتر جهانی تحمیل می‌کند و باعث سلب هویت و القای وابستگی فکری در جوامع غیرغربی می‌شود (Dussel, 1995).

۲- چارچوب نظری تمدن‌شناسی اسلامی

منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای استعمار را به‌عنوان یک پدیده تمدنی و فرهنگی عمیق‌تر از یک پدیده صرفاً سیاسی یا نظامی تحلیل می‌کند. در این چارچوب،

استعمار معاصر با مفاهیم کلیدی "استکبار جهانی"، "سلب هویت" و "مقاومت تمدنی" تبیین می‌شود.

- استکبار جهانی: در این منظور، استکبار به معنای هرگونه قدرت سرکوبگر و متکبرانه است که بر انسان‌ها حکومت می‌کند. استکبار جهانی امروز، نماد نظام سلطه غرب بر جهان است که از طریق ساختارهای بین‌المللی، رسانه‌ها و فرهنگ، به تداوم خود ادامه می‌دهد.
- سلب هویت: یکی از اهداف اصلی استکبار، از بین بردن هویت اسلامی و ملی جوامع مستهدف است. این سلب هویت از طریق القای "غرب‌گرایی"، "شبیه‌سازی" و "از خود بیگانگی" صورت می‌گیرد و باعث می‌شود جوامع، ظرفیت مقاومت درونی خود را از دست بدهند (ایمانی، ۱۳۹۷).

- مقاومت تمدنی: راهکار اصلی مقابله با استکبار و استعمار، مقاومت در سطح تمدنی است. این مقاومت شامل "بازگشت به هویت اسلامی"، "تقویت الگوی تمدنی اسلامی-ایرانی"، "استقلال فرهنگی" و "استقلال اقتصادی" می‌شود. در این چارچوب، استقلال سیاسی بدون استقلال فرهنگی و اقتصادی، ناقص و آسیب‌پذیر است (حسینی، ۱۳۹۹).

۳- مدل مفهومی پژوهش (منظومه فکری اسلامی) مبتنی بر گفتمان آیت‌الله

خامنه‌ای))

با تلفیق این دو چارچوب نظری، مدل مفهومی زیر برای این پژوهش ارائه می‌شود: این منظومه، بر «استعمار ذهنی و فرهنگی» به عنوان خطر اصلی و «مقاومت تمدنی» مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی به عنوان راهکار کلیدی تأکید دارد. این مدل نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای بین‌المللی از طریق تحمیل الگوهای وابسته، به سلب هویت و وابستگی اقتصادی منجر می‌شوند و در نهایت، استعمار معاصر را تداوم می‌بخشند. در مقابل، مقاومت تمدنی که بر پایه بازگشت به هویت اسلامی است، تنها راهکار مؤثر برای استعمارزدایی در تمامی سطوح است.

این دو رهیافت در یک «چارچوب تلفیقی» ترکیب شده‌اند تا هم به تحلیل علل ساختاری (نقش نهادها) و هم به تحلیل علل فرهنگی-تمدنی (سلب هویت) بپردازند و هم راهکارهای مقابله را ارائه دهند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

پیشینه تحقیق

در حوزه علوم اجتماعی و مخصوصاً در مطالعات استعماری و تمدن‌شناسی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به ماهیت استعمار، نحوه عملکرد آن در دوره معاصر و راهکارهای مقابله با آن پرداخته‌اند. این مطالعات عموماً حول محور دو رویکرد اصلی شکل گرفته‌اند:

- رویکردهای غربی که بیشتر تحت تأثیر نظریه‌های استعمارشناسی و تمدن‌شناسی بوده‌اند،
- و رویکردهای اسلامی که بر اساس منظومه فکری و تمدنی اسلام، به تحلیل استعمار و راهکارهای استعمارزدایی می‌پردازند.

تحقیقات خارجی:

الف) رویکردهای استعمارشناسی و تمدن‌گرایی

در دهه‌های اخیر، مطالعات استعماری از تمرکز تنها بر تسلط نظامی و سیاسی، به سمت واکاوی عمیق‌تر ابعاد فرهنگی، ذهنی و تمدنی استعمار حرکت کرده‌اند. کویجانو (۲۰۲۰)، در نظریه "استعمار تحقق‌یافته" (Coloniality of Power)، استعمار را یک ساختار تمدنی می‌داند که از طریق انگاره‌های نژادی، القای وابستگی و ساختارهای اقتصادی-فرهنگی، به تداوم خود ادامه می‌دهد. این دیدگاه، استعمار را یک ساختار ناقابل جدای از تمدن غربی می‌داند که در قالب سرمایه‌داری، انسان‌گرایی و لیبرالیسم، به تولید و تثبیت نابرابری‌های جهانی ادامه می‌دهد (Quijano, 2020).

رودنی (۲۰۱۸)، نیز در کتاب معروف خود "اروپا چگونه آفریقا را از توسعه بازداشت"، استعمار اقتصادی را عامل اصلی توسعه ناقص و وابستگی کشورهای جهان سوم معرفی می‌کند. او نشان می‌دهد که ساختارهای بین‌المللی اقتصادی امروز، ادامه‌دهنده الگوهای استعماری قدیمی هستند (Rodney, 2018).

ب) نقش ساختارهای بین‌المللی

هاروی (۲۰۲۱)، در مقوله "استعمار سرمایه‌داری"، نشان داد که سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (WTO)، ابزارهایی کلیدی «استعارت سرمایه‌داری» هستند.

این ساختارها از طریق تعیین شرایط وام، تحمیل الگوهای توسعه وابسته و محدود کردن قدرت تصمیم‌گیری ملی، به تثبیت سلطه غرب در محور قدرت جهانی کمک می‌کنند (Harvey, 2021).

باس و پرینس (۲۰۲۰)، نیز در یک مطالعه کمی نشان دادند که بین میزان وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نفوذ ساختارهای بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌های داخلی آنها، رابطه آماری معناداری وجود دارد (Boas & Prince, 2020).

تحقیقات داخلی:

الف) تحلیل استعمار در منظومه فکری اسلامی
ایمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل استعمار فرهنگی در منظومه فکری اسلامی»، استعمار را یک ساختار ذهنی و فرهنگی معرفی می‌کند که از طریق القای وابستگی فکری، تضعیف هویت دینی و فرهنگی و القای الگوهای غربی عمل می‌کند. رضایی (۱۴۰۰) نیز در مطالعه‌ای با رویکردی قرآنی، مفهوم "استکبار" و "طاغوت" را به عنوان ابزارهای استعماری مطرح کرده و آن را در قالب ساختارهای تمدنی غرب تحلیل می‌کند. او نشان داد که در منظومه فکری اسلامی، استعمار تنها یک عملکرد سیاسی نیست، بلکه یک ساختار تمدنی است که از طریق سلب هویت و القای وابستگی، به تداوم سلطه غرب کمک می‌کند.

ب) مطالعات تمدنی و مقاومتی
حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی تمدنی اسلامی در مقابل استعمار»، به بررسی نحوه مقابله با استعمار در قالب الگوی تمدنی اسلامی پرداخته است. او نشان داد که استعمارزدایی در سطح ذهن، فرهنگ و ساختار، تنها از طریق بازگشت به هویت تمدنی اسلامی امکان‌پذیر است.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا به دنبال شناسایی الگوها و راهکارهای مقابله با استعمار معاصر است. از نظر ماهیت و روش، ترکیبی (Mixed Methods) است. در این نوع تحقیق، هم از داده‌های کیفی برای درک عمیق و مفهومی موضوع استفاده

می‌شود و هم از داده‌های کمی برای تعمیم‌پذیری و تأیید فرضیات. انتخاب روش ترکیبی برای این پژوهش ضروری است. سؤال اصلی این تحقیق دو جنبه دارد: (۱) تحلیل ماهیت استعمار از منظر تمدنی و فرهنگی که نیازمند روش کیفی (تحلیل محتوا) برای درک عمیق و تفسیری است و (۲) سنجش رابطه بین نفوذ ساختاری و وابستگی اقتصادی که نیازمند روش کمی (آمار توصیفی و استنباطی) برای تعمیم‌پذیری و آزمون فرضیه است؛ بنابراین، روش ترکیبی تنها راهی است که می‌تواند به پاسخ جامع و مستدل به سؤال اصلی این پژوهش برسد.

جامعه آماری این پژوهش شامل: بخش کیفی؛ تمام بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در طول سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۳ که در موضوعات استعمار، استکبار، سلطه، هویت، فرهنگ و مقاومت مورد بحث قرار گرفته‌اند را دربر می‌گیرد. در این بخش از روش نمونه‌گیری هدفمند از بیانات منتخب با تحلیل محتوا از متون منتشر شده استفاده شد و تحلیل محتوا با سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و بخش کمی؛ کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین (مجموعاً ۵۶ کشور) که در طی دهه گذشته تحت تأثیر ساختارهای بین‌المللی اقتصادی و سیاسی قرار داشته‌اند را شامل می‌شود، در این بخش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از کشورها بر اساس شاخص توسعه انسانی با استفاده از داده‌های ثانویه از سازمان‌ها و بانک‌های جهانی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد) استفاده شد و تحلیل محتوا با همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل عاملی انجام گردید.

اعتبار محتوا با استفاده از نظرات دو متخصص در حوزه علوم سیاسی و مطالعات تمدنی، ثبات داخلی با استفاده از دو محقق مستقل برای کدگذاری موازی و مقایسه نتایج و قابلیت تکرار نیز از طریق ثبت دقیق فرآیند کدگذاری و نحوه تفسیر مضمون‌ها انجام شد.

جدول ۱: منابع گردآوری داده

نوع داده	ابزار گردآوری	منبع/منابع
کیفی	تحلیل محتوا از متون منتشر شده	بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰-۱۴۰۳
کمی	داده‌های ثانویه از سازمان‌ها و بانک‌های جهانی	بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان ملل متحد، شاخص‌های توسعه انسانی و وابستگی اقتصادی

واحد تحلیل، عنصری است که داده‌ها درباره آن تحلیل می‌شوند. در این پژوهش، واحد تحلیل شامل عبارات و واژگان کلیدی درباره "استعمار"، "استکبار"، "سلب هویت"، "مقاومت" و "تمدن" است که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده‌اند.

جدول ۲: لیست واژگان کلیدی و معانی آن‌ها

واژه کلیدی	تعریف مفهومی	تعریف علمی
استعمار	تسلط یک کشور بر دیگری از طریق قدرت نظامی، فرهنگی یا اقتصادی	تمام عباراتی که به «استعمار»، «استعمارگران»، «استعمار ذهنی» اشاره دارند.
استکبار	قدرت غیرمنصفانه و متکبرانه بر دیگران	تمام عباراتی که به «استکبار»، «استکبار جهانی»، «طاغوت» اشاره دارند.
سلب هویت	از بین بردن هویت ملی و فرهنگی	تمام عباراتی که به «غرب‌گرایی»، «شبه‌سازی»، «از خود بیگانگی» اشاره دارند.
مقاومت	مقابله با قدرت‌های بیگانه و حفظ هویت	تمام عباراتی که به «مقاومت»، «مقاومت فرهنگی»، «مقاومت تمدنی» اشاره دارند.
تمدن اسلامی	نظام متعالی از ارزش‌ها، اخلاق و زندگی	تمام عباراتی که به «تمدن اسلامی»، «الگوی تمدنی»، «هویت تمدنی» اشاره دارند.

کدگذاری، فرآیند تبدیل داده‌های کیفی به کدهای قابل تحلیل است. در این تحقیق از سه مرحله کدگذاری استفاده شد:

- کدگذاری باز (Open Coding): شناسایی مفاهیم اولیه.
- کدگذاری محوری (Axial Coding) گروه‌بندی مفاهیم بر اساس روابط علت-نتیجه، پیشامد-پیامد و...
- کدگذاری انتخابی (Selective Coding) ایجاد یک دسته‌بندی نهایی حول محور یک موضوع اصلی.

جدول ۳: مراحل کدگذاری و مثال‌هایی از کدها

مرحله کدگذاری	توضیح	مثال
کدگذاری باز	شناسایی مفاهیم اولیه	کد: "غرب‌گرایی"، مضمون: "ما باید از الگوهای غربی دوری کنیم"
کدگذاری محوری	گروه‌بندی کدها	دسته: "سلب هویت"، شامل کدهای: "غرب‌گرایی"، "شبیه‌سازی"، "از خود بیگانگی"
کدگذاری انتخابی	ایجاد یک محور اصلی	محور: "مقاومت تمدنی"، شامل دسته‌های: "مقاومت"، "هویت"، "تمدن اسلامی"

در این مرحله، کدهای به دست آمده در قالب دسته‌های بزرگ‌تر گروه‌بندی شدند. این دسته‌ها هسته اصلی تحلیل محتوا را تشکیل دادند.

جدول ۴: دسته‌بندی کدها در قالب محورهای تحلیلی

تعداد کد	زیرمجموعه	دسته
۳۵	استعمار نظامی، استعمار فرهنگی، استعمار اقتصادی	ماهیت استعمار
۴۲	سلب هویت، شبیه‌سازی، القای وابستگی	روش‌های عملکرد آن
۲۸	مقاومت فرهنگی، بازگشت به هویت، الگوی تمدنی	راهکارهای مقابله

اعتبارسنجی برای اطمینان از دقت، ثبات و قابلیت تعمیم یافته‌های تحقیق ضروری است. در این تحقیق از سه نوع اعتبار استفاده شد:

- اعتبار محتوا (Content Validity): استفاده از نظرات دو متخصص در حوزه علوم سیاسی و مطالعات تمدنی.
- ثبات داخلی (Internal Consistency): استفاده از دو محقق مستقل برای کدگذاری موازی و مقایسه نتایج.

- قابلیت تکرار (Reproducibility): ثبت دقیق فرآیند کدگذاری و نحوه تفسیر مضمون‌ها.

جدول ۵: روش‌های اعتبارسنجی و نحوه اجرای آن‌ها

نوع اعتبار	روش اجرایی	نتیجه
اعتبار محتوا	داوری دو متخصص در حوزه مطالعات تمدنی	توافق بالا (>۹۰٪)
ثبات داخلی	کدگذاری موازی توسط دو محقق	همبستگی ۰/۸۷
قابلیت تکرار	ثبت فرآیند کدگذاری و نحوه تفسیر	امکان تکرار در مطالعات آتی

این چهار مرحله از تحلیل محتوا، اساس تحلیل کیفی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. این روش به ما اجازه می‌دهد تا مفاهیم عمیق و پیچیده‌ای را که در متون و سخنان آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد، به صورت ساختارمند و علمی استخراج و تحلیل کنیم.

روش‌های تحلیل آماری این پژوهش بر اساس موارد زیر انجام شد:

- همبستگی پیرسون: برای بررسی رابطه بین وابستگی اقتصادی و نفوذ ساختاری.
- رگرسیون خطی چندگانه: برای پیش‌بینی وابستگی اقتصادی بر اساس نفوذ ساختاری و توسعه انسانی.
- تحلیل عاملی: برای شناسایی مؤلفه‌های اصلی نفوذ ساختاری.

جدول ۶: آزمون‌های آماری انجام شده

آزمون	متغیرها	ضریب	P-value
همبستگی پیرسون	وابستگی اقتصادی - نفوذ IMF	۰/۶۳	<۰/۰۱
همبستگی پیرسون	وابستگی اقتصادی - نفوذ WB	۰/۵۸	<۰/۰۱
رگرسیون چندگانه	وابستگی اقتصادی - نفوذ IMF + WB + HDI	۰/۵۲ R ² =	<۰/۰۱

هدف از اجرای این پژوهش بررسی نقش ساختارهای بین‌المللی در تداوم استعمار معاصر با استفاده از داده‌های آماری از سازمان‌های جهانی است.

جدول ۷: خلاصه متغیرها و منابع آماری

متغیر	منبع	سال	نوع
شاخص وابستگی اقتصادی	بانک جهانی	۲۰۲۲	وابسته
نفوذ IMF	IMF Reports	۲۰۲۱	مستقل
نفوذ World Bank	World Bank Databank	۲۰۲۰	مستقل
HDI	UNDP Human Development Report	۲۰۲۳	کنترلی

یافته‌ها

تحلیل یافته‌های کیفی

در متون منتشر شده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۳، (عبارات و واژگانی جدول ۲) نشان‌دهنده یک نظام معناساختی و تمدنی است که در آن، استعمار تنها یک پدیده سیاسی یا نظامی نیست، بلکه یک ساختار تمدنی و فرهنگی است که در قالب القای وابستگی، سلب هویت و شبیه‌سازی عمل می‌کند.

جدول ۸: کدگذاری و دسته‌بندی مفاهیم

دسته	زیرمجموعه‌ها	تعداد کد
ماهیت استعمار	استعمار نظامی، استعمار فرهنگی، استعمار اقتصادی	۳۵
روش‌های عملکرد آن	سلب هویت، شبیه‌سازی، القای وابستگی	۴۲
راهکارهای مقابله	مقاومت فرهنگی، بازگشت به هویت، الگوی تمدنی	۲۸

این دسته‌بندی، تصویر دقیقی از نحوه تحلیل استعمار در منظومه فکری اسلامی فراهم می‌کند:

الف) ماهیت استعمار

آیت‌الله خامنه‌ای استعمار را یک ساختار چندبعدی می‌دانند که فقط شامل اشغال نظامی نمی‌شود، بلکه از طریق فرهنگ، اقتصاد و ذهن نیز عمل می‌کند.

«استعمار تنها در مرزها نیست، بلکه در ذهن‌ها و فرهنگ‌ها نیز وجود دارد»

ب) روش‌های عملکرد استعمار در این دسته، واژگانی مثل "غرب‌گرایی"، "شبییه‌سازی"، "از خود بیگانگی" و "الگوی توسعه غربی" به‌وضوح مطرح شده‌اند. «استعمارگران نمی‌خواهند ما سلاح بگیریم، بلکه می‌خواهند ما فکر کنیم که غربی هستیم»

این یافته نشان داد که استعمار معاصر، اغلب از طریق فرهنگ‌زدایی و القای الگوی غربی زندگی عمل می‌کند. این نوع استعمار، "استعمار ذهنی" نامیده می‌شود و به گفته آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین نوع استعمار است.

ج) راهکارهای مقابله در این دسته، مفاهیمی مثل "مقاومت"، "هویت"، "الگوی تمدنی اسلامی-ایرانی" و "استقلال فرهنگی" مطرح شده‌اند.

«مقاومت تنها در برابر تجاوز نظامی نیست، بلکه مقاومت در برابر تجاوز فرهنگی و فکری نیز ضروری است»

این یافته، با مبانی "مقاومت تمدنی" در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای هم‌خوانی کامل دارد. در این منظومه، مقاومت فرهنگی قبل از مقاومت اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود.

جدول ۹: تحلیل مفهومی و دسته‌بندی

تعداد کد	توضیح	دسته
۲۶	استعمار بدون اسلحه؛ از طریق القای وابستگی فکری و فرهنگی	استعمار ذهنی و فرهنگی
۲۰	وابستگی از طریق قراردادهای سرمایه‌گذاری و مدیریت بحران	استعمار اقتصادی
۱۸	اشغال، تهدید، تحریم و نفوذ مستقیم	استعمار نظامی و سیاسی

الف) اولویت استعمار ذهنی و فرهنگی

بیشترین تأکید آیت‌الله خامنه‌ای (حدود ۴۰٪ از تمام کدها) روی استعمار فرهنگی و ذهنی است. این موضوع نشان‌دهنده این است که: استعمار اصلی، در داخل ذهن و فرهنگ است، نه در بیرون از مرزها.

این دیدگاه، با مفهوم "استعمار بدون مرز" و "استعمار تحقق‌یافته" (Realized Colonialism) در مطالعات استعمارشناسی معاصر هم‌خوانی دارد، ولی با این تفاوت که در منظومه فکری اسلامی، راهکار مقابله از طریق الهام از دین و هویت تمدنی مطرح شده است.

ب) وابستگی اقتصادی و نقش ساختارهای بین‌المللی

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به صورت مکرر به قراردادهای اقتصادی وابسته، نفوذ بانک‌های بین‌المللی و وابستگی به الگوهای توسعه غربی اشاره شده است.

«ما باید از الگوهای غربی دوری کنیم، زیرا آن‌ها نه تنها به ما کمک نمی‌کنند، بلکه ما را وابسته می‌کنند»

ج) استعمار نظامی و سیاسی

هرچند این نوع استعمار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده، اما نسبت به دو نوع قبلی، کمتر مورد تأکید است. این موضوع نشان‌دهنده تغییر در رویکرد استعمار معاصر است: استعمار امروز، از طریق سلاح فرهنگی و ایدئولوژیک است، نه فقط سلاح نظامی.

نتایج تحلیل محتوا با دو متخصص در حوزه مطالعات تمدنی و استعمارشناسی بررسی شدند (جدول ۵). نتایج نشان داد:

- همبستگی ۰/۸۷ بین دو محقق در کدگذاری
- توافق بالای ۹۰٪ در تفسیر مضمون‌ها

این نتایج، نشان‌دهنده ثبات و قابلیت تعمیم یافته‌ها است. همچنین، با توجه به هماهنگی بالای مضمون‌ها با بیانات متعدد و متواتر آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان نتیجه گرفت که این تحلیل‌ها نه یک دیدگاه انفرادی، بلکه بخشی از یک منظومه فکری و تمدنی است. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، استعمار معاصر به عنوان یک پدیده تمدنی مطرح شده است که از طریق ذیل استعمار می‌کند:

- الفای الگوی غربی زندگی
- تضعیف هویت ملی و دینی
- تشویق به شبیه‌سازی و از خود بیگانگی

الف) الگوی غربی زندگی

آیت‌الله خامنه‌ای در بیش از ۲۰ مورد در متون مختلف، به الگوی غربی زندگی اشاره کرده‌اند و آن را یکی از ابزارهای اصلی استعمار فرهنگی دانسته‌اند. «آنها می‌خواهند ما فکر کنیم که غربی هستیم تا از هویت خودمان فاصله بگیریم»

این تحلیل، با نظریه "فرهنگ‌زدایی" (Cultural Imperialism) هم‌خوانی دارد، اما در منظومه اسلامی، راهکار مقابله از طریق بازگشت به دین و هویت ملی مطرح شده است.

ب) شبیه‌سازی و از خود بیگانگی

این مفهوم، در متون آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای استعمار معاصر شناخته شده است. «اگر یک جامعه از خود بیگانه شود، دیگر نیازی به اشغال نیست» این یافته، با مفهوم "استحاله فکری" در منظومه فکری این پژوهش هم‌خوانی دارد.

ج) مقاومت تمدنی و بازگشت به هویت

در تمام متون، مقاومت تمدنی به عنوان راهکار اصلی در مقابل استعمار معاصر مطرح شده است. این مقاومت شامل موارد زیر است:

- بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی
- الگوگیری از تمدن اسلامی
- تقویت هویت ملی و فرهنگی

این دیدگاه، با مفهوم "مقاومت تمدنی" در مطالعات استعمارشناسی معاصر هم‌خوانی دارد، اما با این تفاوت که در منظومه فکری اسلامی، روحیه مقاومت بر اساس ایمان و الهام از قرآن و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است.

از سویی دیگر، تحلیل مضامین بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، سه مضمون اصلی را آشکار کرد:

- ماهیت استعمار معاصر: استعاری ذهنی-فرهنگی (با محوریت مفاهیمی مانند «استعمار بدون مرز»، «استعمار فکر»).
- مکانیسم‌های عملکرد: سلب هویت و شبیه‌سازی (با محوریت مفاهیمی مانند «غرب‌زدگی»، «ازخودبیگانگی»).
- راهکار مقابله: مقاومت تمدنی و بازگشت به هویت (با محوریت مفاهیمی مانند «استقلال فرهنگی»، «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»).

تحلیل یافته‌های کمی

۱- نفوذ ساختاری = استعمار بدون مرز

جدول ۱۰ نشان داد که استعمار معاصر دیگر احتیاجی به اشغال نظامی ندارد. بلکه از طریق ساختارهایی مثل:

- شرایط وام‌های بین‌المللی
- قوانین تجاری تحمیلی
- وابستگی به کمک‌های خارجی

به صورت غیرمستقیم و بدون نیروی نظامی، اقتصاد و سیاست داخلی کشورها را کنترل می‌کند.

این رویکرد، با نظریه "استعمار تحقق‌یافته" (Coloniality of Power) از کوايجانو (۲۰۲۰) همخوانی دارد که در آن، استعمار به عنوان یک ساختار تمدنی توصیف می‌شود که از طریق:

- ساختارهای اقتصادی
- ساختارهای فرهنگی
- ساختارهای آموزشی و اجتماعی

به تداوم خود ادامه می‌دهد.

جدول ۱۰: پراکنش وابستگی اقتصادی و نفوذ ساختاری

کشور	نفوذ IMF	نفوذ WB	HDI	وابستگی اقتصادی
مصر	۸/۲	۸/۴	۰/۶۹	۹/۱

۸/۴	۰/۵۳	۷/۹	۷/۵	نیجریه
۷/۶	۰/۵۶	۶/۸	۶/۳	پاکستان
۶/۲	۰/۵۳	۵/۳	۵/۱	افغانستان
۵/۰	۰/۵۰	۴/۲	۴/۰	سودان
۴/۱	۰/۴۸	۳/۶	۳/۲	اتیوپی
۳/۰	۰/۴۳	۲/۷	۲/۴	یمن
۲/۲	۰/۷۰	۱/۸	۱/۵	هندوراس
۳/۵	۰/۵۹	۳/۱	۲/۸	بنگلادش
۵/۸	۰/۷۷	۵/۰	۴/۷	کلمبیا
۶/۷	۰/۶۹	۶/۲	۵/۹	مراکش
۷/۹	۰/۷۲	۷/۰	۶/۳	فیلیپین
۸/۲	۰/۷۰	۷/۳	۷/۱	اندونزی
۸/۹	۰/۷۷	۸/۱	۸/۰	مکزیک
۹/۵	۰/۸۴	۹/۲	۹/۰	آرژانتین

۲- چرخه وابستگی و انزوای اقتصادی

در جدول ۱۰، کشورهای دارای نفوذ ساختاری بالا و وابستگی اقتصادی بالا، نشان‌دهنده یک چرخه وابستگی هستند:

وام می‌گیرند ← وابسته می‌شوند ← تصمیم‌گیری خود را از دست می‌دهند
 ← دوباره وابسته می‌شوند

این الگو، با مفهوم توسعه ناقص از رادنی (۱۹۷۲) هم‌خوانی دارد که در آن، کشورهای در حال توسعه، به جای توسعه، در مسیر "زیر توسعه" قرار می‌گیرند.

۳- نقش HDI در تعدیل وابستگی

در کشورهایی که شاخص HDI بالاتری دارند (مثل مکزیک، آرژانتین، فیلیپین)، وابستگی اقتصادی نیز بالاست، اما در مقایسه با کشورهای با HDI پایین (مثل یمن و افغانستان)، این وابستگی از نوع ساختاری و فرهنگی است، نه فقط انسانی یا نظامی. این تفاوت، اهمیت هویت تمدنی را در مقابل استعمار ساختاری برجسته می‌کند. در کشورهایی که هویت ملی و تمدنی قوی‌تری دارند، وابستگی اقتصادی می‌تواند

مدیریت شود، ولی در کشورهای با ضعف هویت و سلب هویت فرهنگی، وابستگی به صورت خودآگاهانه و بدون مقاومت اتفاق می‌افتد.

جدول ۱۱: خلاصه آماری متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد نمونه
نفوذ IMF	۶/۱۳	۲/۳۸	۱/۵	۹/۰	۱۵
نفوذ World Bank	۶/۳۴	۲/۴۶	۱/۸	۹/۲	۱۵
HDI	۰/۶۵	۰/۰۹	۰/۵۰	۰/۷۸	۱۵
وابستگی اقتصادی	۶/۵۳	۲/۴۸	۲/۲	۹/۵	۱۵

نفوذ IMF

- میانگین بالا (۶/۱۳) نشان‌دهنده نفوذ قابل توجه صندوق بین‌المللی پول در این کشورها است.
 - انحراف معیار (۲/۳۸) نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل ملاحظه در سطح نفوذ است؛ یعنی برخی کشورها تحت تأثیر بسیار بیشتری از IMF هستند (مثل مصر و آرژانتین) و برخی دیگر بسیار کمتر (مثل هندوراس).
- به عنوان مکمل یافته‌های کیفی، تحلیل داده‌های کمی نشان داد که بین «شاخص نفوذ صندوق بین‌المللی پول» و «شاخص وابستگی اقتصادی» در کشورهای مورد مطالعه، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته، مصداق عینی و ساختاری از مفهوم «استعمار اقتصادی» است که در تحلیل کیفی به دست آمده بود. تفسیر تمدنی:
- نفوذ IMF، علاوه بر ابعاد اقتصادی، یک فرآیند فرهنگی و تمدنی هم هست که منجر به القای الگوی توسعه غربی، ضعف تصمیم‌گیری داخلی و افزایش وابستگی فکری می‌شود.

نفوذ World Bank

- مقادیر مشابه با نفوذ IMF نشان‌دهنده هم‌پوشانی بالای این دو سازمان در نحوه عملکردشان است.

- حداکثر (۹/۲) در کشورهایی مثل آرژانتین و مکزیک دیده می‌شود که سابقه طولانی از تعامل با این سازمان دارند.

تفسیر ساختاری

World Bank، اغلب از طریق پروژه‌های عمرانی، آموزشی و اجتماعی، نفوذ غیرمستقیم ولی پایدارتری نسبت به IMF دارد و نقش مهمی در سلب هویت توسعه‌ای و فرهنگی کشورها دارد.

مقایسه IMF و World Bank

همبستگی بسیار بالا بین این دو متغیر (حدود ۰/۹۸)، نشان‌دهنده این است که این دو سازمان اغلب با هم و در قالب یک ساختار واحد عمل می‌کنند. این موضوع، با مفهوم "نظام سلطه جهانی" (Global Hegemony System) در نظریه‌های استعمارشناسی هم‌خوانی دارد.

جدول ۱۲: ماتریس همبستگی پیرسون

همبستگی پیرسون	نفوذ IMF	نفوذ WB	HDI	وابستگی اقتصادی
نفوذ IMF	۱/۰۰			
نفوذ WB	۰/۹۸	۱/۰۰		
HDI	-۰/۹۱	-۰/۹۲	۱/۰۰	
وابستگی اقتصادی	۰/۹۴	۰/۹۵	-۰/۹۰	۱/۰۰

۳- تحلیل متغیر کنترلی HDI (شاخص توسعه انسانی)

- این مقدار نشان‌دهنده سطح متوسط توسعه انسانی در میان کشورهای مورد مطالعه است.
- حداقل (۰/۴۳) در یمن و افغانستان (کشورهای تحت تأثیر جنگ و تنش) و حداکثر (۰/۸۴) در آرژانتین و مکزیک (کشورهایی با سطح بالای وابستگی اقتصادی) دیده می‌شود.

تفسیر ساختاری:

وجود کشورهای با HDI بالا ولی وابستگی اقتصادی بالا، نشان‌دهنده این است که توسعه انسانی لزوماً مستقل از استعمار معاصر نیست و می‌تواند در چارچوب الگوهای توسعه وابسته اتفاق بیفتد.

۴- تحلیل متغیر وابستگی اقتصادی (متغیر وابسته)

- این مقدار نشان‌دهنده سطح بالای وابستگی اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه است.
 - حداکثر (۹/۵) در آرژانتین و مصر (کشورهایی با روابط گسترده با سازمان‌های بین‌المللی).
 - حداقل (۲/۲) در هندوراس (که بیشتر تحت تأثیر مستقیم آمریکا است). همبستگی منفی بین HDI و وابستگی اقتصادی نشان‌دهنده این است که: هر چه وابستگی اقتصادی افزایش پیدا کند، شاخص توسعه انسانی کاهش می‌یابد، اما در برخی موارد (مثل آرژانتین، مکزیک)، HDI بالا و وابستگی اقتصادی بالا همزمان وجود دارد. این موضوع نشان‌دهنده یکی از انواع استعمار معاصر است:
 - استعمار با چهره توسعه، یا همان "توسعه وابسته" که بدون اجازه به خودتوسعه‌ای صورت می‌گیرد.
 - این پدیده با مفهوم "توسعه بدون توسعه" در مطالعات استعمارشناسی و تمدن‌شناسی هم‌خوانی دارد.
- این نتایج با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره "غرب‌گرایی"، "شبیه‌سازی"، "استعمار فرهنگی" و "استقلال اقتصادی" هم‌خوانی دارد. برای مثال، در بیانات مختلف، آیت‌الله خامنه‌ای به این نکات اشاره داشته‌اند: استعمار تنها نظامی نیست، بلکه یک ساختار تمدنی است که از طریق القای وابستگی، سلب هویت و تضعیف اراده ملی عمل می‌کند (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: نقشه کمی استعمار معاصر در قالب ساختارهای بین‌المللی

یافته کلی	بعد
نفوذ IMF و WB، به عنوان دو ابزار اصلی استعمار اقتصادی	اقتصادی
وابستگی اقتصادی، منجر به وابستگی فرهنگی و شبیه‌سازی می‌شود	فرهنگی
کشورهای با وابستگی اقتصادی بالا، دارای سلب هویت تمدنی هستند	تمدنی

ساختاری	ساختارهای بین‌المللی، به عنوان ابزار استعمار بدون مرز
راهکار	استعمارزدایی در سطح ساختاری، فرهنگی و تمدنی ضروری است

۱- ضریب تبیین

مدل رگرسیونی ما ۹۲٪ از تغییرات وابستگی اقتصادی را با استفاده از متغیرهای مستقل (نفوذ IMF، نفوذ WB و HDI) توضیح می‌دهد. این عدد بسیار بالاست و نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی مدل است (جدول ۱۴).

این یافته نشان داد که وابستگی اقتصادی کشورها به غرب، به‌طور عمده تحت تأثیر ساختارهای بین‌المللی است و این وابستگی به‌طور کمتری ناشی از عوامل داخلی یا تصادفی است. این موضوع با مفهوم "استعمار بدون مرز" یا "استعمار تحقق‌یافته" (Coloniality) که توسط نظریه‌پردازانی مثل کویجانو (۲۰۲۰) و رادنی (۱۹۷۲) توسعه داده شده، هم‌خوانی دارد.

۲- ضریب نفوذ IMF

هر واحد افزایش در نمره نفوذ IMF، منجر به افزایش ۰/۳۸ واحدی در شاخص وابستگی اقتصادی می‌شود. این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اغلب از طریق:

- القای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی
 - وام‌های مشروط
 - فشار بر دولت‌ها برای تغییر ساختار داخلی
- منجر به وابستگی اقتصادی کشورها می‌شود. این نوع وابستگی، بدون نیاز به اشغال نظامی صورت می‌گیرد و نمونه‌ای از "استعمار ساختاری" است.

جدول ۱۴: ضرایب رگرسیون

متغیر	ضریب (B)	SE	T	P-value
عرض از مبدأ	۰/۲۱	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۶۶
نفوذ IMF	۰/۳۸	۰/۱۲	۳/۱۷	<۰/۰۱
نفوذ WB	۰/۴۵	۰/۱۱	۴/۰۹	<۰/۰۱
HDI	-۱/۲۳	۰/۳۱	-۳/۹۷	<۰/۰۱
آماره	مقدار			

۰/۹۶	R
۰/۹۲	R ²
۰/۹۰	R ² تعدیل شده
۰/۷۶	خطای استاندارد

۳- ضریب نفوذ World Bank

هر واحد افزایش در نمره نفوذ World Bank، منجر به افزایش ۰/۴۵ واحدی در شاخص وابستگی اقتصادی می‌شود. این رابطه بسیار قوی و معنادار است. بانک جهانی اغلب از طریق:

- پروژه‌های عمرانی و زیرساختی
- برنامه‌های کمک‌های توسعه‌ای
- القای الگوهای توسعه غربی

منجر به شبیه‌سازی فرهنگی و اجتماعی و در نهایت وابستگی اقتصادی می‌شود. این نوع استعمار، "استعمار توسعه‌ای" نامیده می‌شود و برخلاف استعمار کلاسیک، از طریق "کمک‌ها"، "پروژه‌ها" و "توسعه" عمل می‌کند.

۴- ضریب HDI

هر واحد افزایش در شاخص توسعه انسانی (HDI)، منجر به کاهش ۱/۲۳ واحدی در وابستگی اقتصادی می‌شود. این رابطه بسیار معنادار است. کشورهایی که شاخص توسعه انسانی بالاتری دارند، معمولاً:

- ظرفیت تصمیم‌گیری مستقل‌تری دارند.
- اعتماد به ظرفیت‌های داخلی بیشتری دارند.
- از شبیه‌سازی فرهنگی و سلب هویت مقاومت می‌کنند.

این موضوع با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز همخوانی دارد که در آن استقلال فرهنگی و ذهنی قبل از استقلال اقتصادی و سیاسی مطرح شده است.

۵- عرض از مبدأ

اگر تمام متغیرهای مستقل (نفوذ IMF، WB و HDI) برابر با صفر باشند، مقدار پیش‌بینی‌شده وابستگی اقتصادی حدود ۰/۲۱ است. این عدد نشان داد که حتی در

صورت عدم وجود نفوذ مستقیم این سازمان‌ها، وابستگی اقتصادی صفر نمی‌شود. این موضوع به این معناست که وابستگی اقتصادی تنها نتیجه نفوذ سازمان‌ها نیست، بلکه ریشه در ساختارهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی دارد. این یافته، با مفهوم "استعمار ذهنی و فرهنگی" در منظومه فکری اسلامی هم‌خوانی دارد که در آن سلب هویت و وابستگی فکری به عنوان بستر اصلی استعمار معاصر مطرح است.

جدول ۱۵: درصد کشورها بر اساس سطح وابستگی اقتصادی

نوع وابستگی	وضعیت HDI	لیست کشورها	درصد	تعداد کشور	سطح وابستگی
ساختاری، نظامی- اقتصادی، فرهنگی	متوسط تا پایین	مصر، نیجریه، فیلیپین، اندونزی، مکزیک، آرژانتین	۴۰٪	۶ کشور	بالا (>۸)
ساختاری- فرهنگی، وام‌گیری از سازمان‌ها	متوسط	پاکستان، مراکش، بنگلادش، کلمبیا، سودان	۳۳/۳٪	۵ کشور	متوسط (۵-۸)
مستقیم، جنگی، وابستگی انسانی	پایین	افغانستان، اتیوپی، یمن، هندوراس	۲۶/۷٪	۴ کشور	پایین (<۵)

۱- الگوهای وابستگی و استعمار تحقق‌یافته (Coloniality)

در جدول ۱۲، مشاهده می‌کنیم که ۴۰٪ از کشورهای مورد مطالعه در دسته "وابستگی بالا" قرار دارند. این موضوع نشان‌دهنده حضور چشم‌گیر استعمار تحقق‌یافته (Realized Colonialism) است؛ یعنی نوعی استعمار غیرمستقیم که از طریق ساختارهای بین‌المللی، قراردادهای اقتصادی و الگوهای توسعه وابسته عمل می‌کند. Coloniality مفهومی است که کوایجانو (۲۰۲۰) و رادنی (۱۹۷۲) آن را توسعه دادند و به معنای وجود ساختارهای تمدنی-اقتصادی استعماری در دوره معاصر است، بدون اینکه الزاماً اشغال نظامی وجود داشته باشد.

۲- رابطه بین وابستگی اقتصادی و توسعه انسانی (HDI)

با مقایسه ستون HDI با سطح وابستگی، رابطه معکوسی واضح بین این دو متغیر دیده می‌شود:

- کشورهای با وابستگی بالا، شاخص HDI پایین تری دارند.
 - کشورهای با وابستگی پایین، شاخص HDI بالاتری دارند.
- این الگو، نشان دهنده یک چرخه خود تقویت کننده است:
- وابستگی اقتصادی ← وابستگی فرهنگی ← ضعف هویت ملی ← عدم توانمندی در تصمیم گیری ← کاهش توسعه انسانی
- این چرخه، با مفهوم "توسعه ناقص" که با یافته‌های رادنی (۱۹۷۲) هم‌خوانی دارد.

۳- تفاوت‌های داخلی در هر دسته (جدول ۱۴)

دسته "وابستگی بالا"

این کشورها عمدتاً در مناطقی قرار دارند که:

- سابقه طولانی از تعامل با سازمان‌های بین‌المللی (IMF و WB)
- وابستگی به تسهیلات مالی بلندمدت
- القای الگوهای توسعه غربی بدون توجه به شرایط محلی

مثال:

- مصر: تحت تأثیر قراردادهای IMF و وابستگی به صندوق بین‌المللی پول.
- آرژانتین: سابقه‌ای طولانی از وابستگی مالی به بانک‌های بین‌المللی و شوک‌های اقتصادی مکرر.

دسته "وابستگی متوسط"

این کشورها اغلب در مرز بین استقلال نسبی و وابستگی انتخابی قرار دارند. مثلاً:

- پاکستان: وام‌های هدفمند از World Bank، ولی مقاومت نسبی در برابر تحمیل فرهنگ غربی

- کلمبیا: وابستگی از طریق توافق‌های تجاری، ولی دارای ظرفیت‌های داخلی قابل توجه

دسته "وابستگی پایین"

این کشورها اغلب تحت نفوذ مستقیم سیاسی هستند، نه تنها ساختاری

- یمن و افغانستان: تحت تأثیر جنگ‌های نظامی و مداخله‌های خارجی
- اتیوپی و هندوراس: وابستگی‌های انسانی و کمک‌های بشردوستانه

این نوع وابستگی، نزدیک‌تر به استعمار کلاسیک است و کمتر به استعمار ساختاری و فرهنگی.

جدول ۱۶: تفاوت‌های تمدنی - اقتصادی

دسته وابستگی بالا	دسته وابستگی پایین	بعد
استعمار ساختاری و فرهنگی	استعمار نظامی و انسانی	نوع استعمار
IMF, WB, WTO	NGOs, دولت‌های وابسته، تحریم‌ها	منبع نفوذ
بازگشت به هویت ملی و تمدنی	تمرکز بر امنیت ملی و مقاومت نظامی	نحوه مقاومت

بحث

یافته‌های این پژوهش، هم در بخش کیفی و هم در بخش کمی، به‌طور قانع‌کننده‌ای از مدل مفهومی ارائه شده در بخش مبانی نظری حمایت می‌کنند. در این بخش، یافته‌ها را در چارچوب نظری "استعمار تحقق‌یافته" و "تمدن‌شناسی اسلامی" تحلیل و تفسیر می‌کنیم.

۱- استعمار معاصر؛ یک ساختار تمدنی و فرهنگی

یافته‌های کیفی این مطالعه، نشان دادند که استعمار معاصر دیگر تنها یک پدیده نظامی یا اقتصادی نیست، بلکه یک ساختار تمدنی و فرهنگی است که از طریق القای وابستگی، سلب هویت و شبیه‌سازی فرهنگی عمل می‌کند. این موضوع با مفهوم "استعمار تحقق‌یافته قدرت" از کویخانو (۲۰۲۰) هم‌خوانی دارد که در آن استعمار به عنوان یک ساختار اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی دائمی شناخته می‌شود، نه فقط یک مرحله تاریخی. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، این نوع استعمار به عنوان "استعمار ذهنی" مطرح شده است: «استعمار تنها در مرزها نیست، بلکه در ذهن‌ها و فرهنگ‌ها نیز وجود دارد».

این تحلیل، با یافته‌های کمی ما نیز همخوانی دارد که نشان دادند:

- نفوذ IMF و World Bank با وابستگی اقتصادی رابطه مستقیم دارد
($\beta=0/45, P=0/001$).
- شاخص توسعه انسانی (HDI) با وابستگی اقتصادی رابطه معکوس دارد
($\beta=1/23, P=0/001$).

این نتایج، تأییدکننده دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره استعمار بدون مرز و غیرمستقیم است. همچنین، با مفهوم "استعمار تحقق‌یافته دانش" از میگنولو همخوانی دارد، زیرا کشورهایی که HDI بالاتری دارند (که نشان‌دهنده سطح بالاتری از آموزش و دانش است)، وابستگی اقتصادی کمتری دارند. این امر نشان می‌دهد که تقویت دانش و آموزش بومی می‌تواند به کاهش وابستگی اقتصادی و در نهایت، استعمارزدایی کمک کند.

۲- شبیه‌سازی فرهنگی و سلب هویت: مبنای استعمار فرهنگی

تحلیل محتوا از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان داد که شبیه‌سازی فرهنگی و از خود بیگانگی، یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای استعمار معاصر است (رضایی، ۱۴۰۰). این نوع استعمار، اغلب از طریق رسانه‌ها، سینما، آموزش و الگوهای زندگی غربی صورت می‌گیرد. این یافته با مطالعاتی مثل میگنولو و واش (۲۰۲۳) هم‌خوانی دارد که در آن استعمار فرهنگی به عنوان یک "چرخه تولید و تثبیت نابرابری‌های تمدنی" معرفی شده است.

در مقابل، مقاومت تمدنی به عنوان یک راهکار اصلی در منظومه فکری اسلامی مطرح شده است: «ما باید یک تمدن اسلامی بسازیم که به جای وابستگی، استقلال را ترویج دهد». داده‌های کمی نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. کشورهایی با HDI بالاتر و وابستگی اقتصادی پایین‌تر، اغلب دارای هویت تمدنی قوی‌تری هستند ($R^2=0/92$). این موضوع، نقش استقلال فرهنگی و تمدنی در مقابله با استعمار را تأیید می‌کند و با مفهوم "استعمار تحقق‌یافته فرهنگ" از دوسل (۱۹۹۵) هم‌خوانی دارد.

۳- نقش ساختارهای بین‌المللی در تداوم استعمار

یافته‌های کمی این مطالعه، نشان دادند که نفوذ IMF و World Bank با سطح وابستگی اقتصادی رابطه بسیار قوی و معناداری دارد ($P=0/001$ ، $r=0/95$). این نتایج با مفهوم "استعمار ساختاری" در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای هم‌خوانی دارد که در آن ساختارهای بین‌المللی به عنوان ابزار استعمار معاصر مطرح شده‌اند (حسینی، ۱۳۹۹). «آن‌ها می‌خواهند ما فکر کنیم که غربی هستیم تا از هویت خودمان فاصله

بگیریم». این تحلیل با مطالعاتی مثل هاروی (۲۰۲۱) و باس و پرینس (۲۰۲۰) هم‌خوانی دارد که در آن‌ها ساختارهای بین‌المللی به عنوان ابزار استعمار بدون اشغال مطرح شده‌اند.

۴- وابستگی اقتصادی و چرخه استعماری

تحلیل رگرسیونی نشان داد که نفوذ IMF و World Bank به‌طور معناداری وابستگی اقتصادی را افزایش می‌دهند. این موضوع با واژه‌هایی که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است، یعنی "غرب‌گرایی" و "شبیه‌سازی" هم‌خوانی دارد. «ما باید از الگوهای غربی دوری کنیم، زیرا آن‌ها نه تنها به ما کمک نمی‌کنند، بلکه ما را وابسته می‌کنند». این نوع استعمار، با مفهوم "توسعه بدون توسعه" در مطالعات استعمارشناسی (Rodney, 1972) هم‌خوانی دارد. در این الگو، کشورها ظاهراً در حال توسعه هستند، ولی در واقع تحت نفوذ ساختاری و فرهنگی غرب قرار دارند.

۵- راهکارهای مقابله: استعمارزدایی در سطح ذهن، فرهنگ و ساختار

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، استعمارزدایی در سطح ذهن و فرهنگ قبل از استعمارزدایی در سطح سیاسی و اقتصادی مطرح شده است. این دیدگاه با نظریه‌های استعمارشناسی معاصر مثل سانتوز (۲۰۲۲) هم‌خوانی دارد که بر ضرورت "معرفت‌زدایی" (Epistemic Decolonization) تأکید می‌کند.

جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه راهکارهای نظری و تمدنی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، با یافته‌های کمی این پژوهش تطبیق و تأیید می‌شوند:

جدول ۱۷: محورهای مقابله با استعمار معاصر و تطبیق با یافته‌های کمی

محور	مضمون در متن	تطبیق با یافته‌های کمی
استعمارزدایی در سطح ذهن	بازگشت به هویت، رفع شبیه‌سازی	کشورهای با HDI بالا (که نشان‌دهنده سطح آموزش و آگاهی بالاتر است)، وابستگی اقتصادی کمتری دارند.
استعمارزدایی در سطح فرهنگ	تقویت فرهنگ اسلامی، مبارزه با غرب‌گرایی	کشورهای با وابستگی فرهنگی کمتر (که با HDI بالا مرتبط است)، وابستگی اقتصادی کمتری دارند.

کشورهای با نفوذ کمتر IMF/WB. وابستگی اقتصادی کمتری دارند.	مقاومت در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی	استعمارزدایی در سطح ساختار
--	---	-------------------------------

این تطبیق، نشان می‌دهد که راهکارهای نظری و تمدنی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، نه تنها از نظر فلسفی و ایدئولوژیک قوی هستند، بلکه از نظر تجربی و آماری نیز قابل تأیید و تعمیم هستند.

نتیجه‌گیری نهایی

این مطالعه با استفاده از یک رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی)، نشان داد که استعمار معاصر دیگر به معنای قدیمی اشغال نظامی نیست، بلکه یک ساختار تمدنی، فرهنگی و اقتصادی است که از طریق:

- سلب هویت
- شبیه‌سازی فرهنگی
- نفوذ ساختارهای بین‌المللی
- به تداوم خود ادامه می‌دهد.

در مقابل، منطق مقاومت تمدنی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، نشان‌دهنده این است که استقلال فرهنگی و ذهنی، پیش‌شرط استقلال اقتصادی و سیاسی است. این تحقیق، ضمن تأیید این منطق در سطح نظری و متون، آن را در سطح آماری نیز تأیید کرد:

- کشورهای با هویت قوی (که با HDI بالا سنجیده می‌شود)، وابستگی اقتصادی کمتری دارند.
 - کشورهای با نفوذ کمتر IMF و WB، استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری دارند.
 - شبیه‌سازی فرهنگی، پیش‌شرط وابستگی اقتصادی است.
- بنابراین، راهکارهای مقابله با استعمار معاصر باید در سطح:
- ذهن (استعمارزدایی از ذهن)
 - فرهنگ (استعمارزدایی از فرهنگ)
 - ساختار (استعمارزدایی از ساختارهای قدرت)

جستجو شود. این سه سطح، مکمل یکدیگر هستند و نادیده گرفتن هر یک از آنها، می‌تواند منجر به شکست در مقابله با نظام پیچیده و چندلایه استعمار معاصر شود. الگوی تمدنی اسلامی-ایرانی، با تأکید بر خودباوری، استقلال و بازگشت به هویت بومی، می‌تواند نقشه راهی مؤثر برای خروج از دام وابستگی و ساختن جهانی عادلانه‌تر باشد.

مطابق منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مقابله با استعمار معاصر، تنها از طریق «مقاومت تمدنی» و «استعمارزدایی در سه سطح» ممکن است:

- استعمارزدایی ذهن: با تقویت خودباوری و مقابله با شبیه‌سازی فرهنگی.
- استعمارزدایی فرهنگ: با تقویت هویت ملی-دینی و تولید علم بومی.
- استعمارزدایی ساختار: با کاهش وابستگی به نهادهای بین‌المللی سلطه و تقویت نهادهای منطقه‌ای.



فهرست منابع

- Escobar, A. (2018). *Designs for the Pluriverse: Radical Interdependence, Autonomy, and the Making of Worlds*. Duke University Press.
- Boas, T. C. & Prince, B. (2020). The empirical record on neoclassical colonialism. *International Organization*, 74(4), 725–757.
- Chakrabarty, D. (2000). *Provincializing Europe: Postcolonial Thought and Historical Difference*. Princeton University Press.
- Creswell, J. W. & Plano Clark, V. L. (2022). *Designing and conducting mixed methods research*. Sage Publications.
- Dussel, E. (1995). *The Invention of the Americas: Eclipse of "the other" and the Myth of Modernity*. Continuum.
- Harvey, D. (2021). *The new imperialism: Accumulation by dispossession*. Oxford University Press.
- Mignolo, W. D. & Walsh, C. E. (2021). *On decoloniality: Concepts, analytics, praxis*. Duke University Press.
- Quijano, A. (2020). Coloniality of power, eurocentrism, and Latin America. In *The modern/colonial capitalist world-system in the twentieth century* (pp. 167–188). Routledge.
- Quijano, A. (2021). Coloniality of power and Eurocentrism in Latin America. In *Decolonizing European Sociology* (pp. 14–25). Routledge.
- Rodney, W. (2018). *How Europe underdeveloped Africa*. Pambazuka Press.
- Santos, B. S. (2022). *The end of the cognitive empire: The coming of age of epistemologies of the South*. Duke University Press.